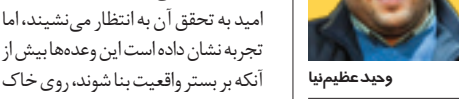


خانه برای همه!

سال‌هاست وعده‌ساخت‌وواگذاری مسکن به گروه‌های مختلف، در قالب طرح‌ها و پروژه‌های پزرزق و برق و شعارهای جذاب مطرح می‌شود، هر بار که چنین وعده‌ای داده می‌شود، جامعه هدفش با امید به تحقق آن به انتظار می‌نشیند، اما تجربه نشان داده‌است این وعده‌ها بیش از آنکه بر بستر واقعیت بنا شوند، روی خاک سست شعار و سیاست‌زدگی ساخته می‌شوند. در همه این سال‌ها، مردم بارها و بارها شنیده‌اند که برای جوانان، کارگران، فرهنگیان، هنرمندان یا خبرنگاران خانه ساخته خواهد شد، آن هم با شرایط ویژه، بدون وام یا اقساط سنگین، گاه حتی رایگان، اما کمتر پیش آمده که این وعده‌ها در مقیاس ملی و برای همه مشمولان به نتیجه رسیده باشد. هر بار به دلایل مشابهی این پروژه‌ها نیمه‌تمام مانده یا از مسیر اولیه منحرف شده‌اند و در نهایت یا به دست عده‌ای محدود رسیده‌اند یا در همان مراحل ابتدایی متوقف شده‌اند.



جواد عظیم‌نیا

دبیر گروه اقتصادی

یکی از رؤسای کمیسیون‌های اقتصادی طرحی را با عنوان «تعاونی مسکن خبرنگاران پارلمانی» مطرح کرد. آن روزها، برخی همکاران خبرنگار با این پیش‌فرض که چنین وعده‌ای پشتوانه واقعی دارد، با شوق پیگیر آن شدند و ثبت‌نام کردند، البته از اینکه به این جمع نپیوستم متعجب شدم. دلایلش ساده بود، همان زمان، تعاونی مسکن خود نمایندگان مجلس، با همه نفوذ و دسترسی‌شان به منابع، بعد از سال‌ها هنوز به نتیجه نرسیده بود. وقتی کسانی که قانون را می‌نویسند و بودجه را تصویب می‌کنند، در گیر چنین موضوعی بودند، چگونه می‌توان باور کرد که طرح مشابهی برای گروهی دیگر به سرانجام خواهد رسید؟ روشن بود که وعده «تعاونی مسکن خبرنگاران» هم به همان سرنوشت خواهد دچار شد و شد.

مشکل اصلی این وعده‌ها، چه برای خبرنگاران باشد و چه برای هر صنف دیگر، در این است که از چارچوب قانونی و اصول عدالت اجتماعی فاصله می‌گیرند. اصل ۳۱ قانون اساسی، تکلیف را به‌روشنی بیان کرده است: «داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند به خصوص روستائینشان و کارگران زمینه‌اجرای این اصل را فراهم کند.» این اصل به روشنی می‌گوید که مسکن یک حق عمومی است و اولویت باید بر اساس نیاز تعیین شود، نه شغل یا وابستگی صنفی. وقتی این قاعده کنار گذاشته می‌شود و گروهی صرفاً به دلیل هویت صنفی خود در اولویت قرار می‌گیرد، عدالت زیر پا گذاشته می‌شود و اصل قانون بی‌اثر می‌گردد.

وعده‌های صنفی، حتی اگر نیت خیر پشت آنها باشد، در عمل به چند مشکل بزرگ می‌انجامند. نخست، نقض عدالت اجتماعی است. وقتی منابع محدود زمین و سرمایه صرف ساخت خانه برای یک گروه مشخص می‌شود، به معنای آن است که شرایط دیگر که گروه‌های دیگر که شاید نیاز بیشتری داشته باشند، نادیده گرفته می‌شوند. دوم، این وعده‌ها بستری برای ایجاد رانت و فساد فراهم می‌کنند. تجربه نشان داده است طرح‌های مسکن ویژه، به‌خصوص آنهایی که سازو کار شفاف شناسایی و گزینش ندارند، به سرعت به سفره‌های برای بهر مندی نزدیکان قدرت تبدیل می‌شوند و افراد فاقد صلاحیت، با روابط شخصی یا سیاسی، جای نیازمندان واقعی را می‌گیرند. سوم، چنین وعده‌هایی توقعی در جامعه هدف ایجاد می‌کند که وقتی به دلیل ضعف منابع یا مدیریت نادرست، پروژه رده نشود، به ناامیدی و بی‌اعتمادی تبدیل می‌شود و چهارم، این وعده‌ها معمولاً محاسبات مالی غیرواقع‌بینانه ارائه می‌شوند، بدون آنکه منابع لازم برای اجرای کامل‌شان پیش‌بینی شده باشد.

نگاهی به گذشته نشان می‌دهد این الگو بارها تکرار شده‌است. از تعاونی‌های مسکن فرهنگیان و کارگران تا پروژه‌های هنرمندان و ورزشکاران، در اکثر موارد ثبت‌نام‌های گسترده انجام شد، مالیاتی به عنوان آورده اولیه دریافت و زمین‌هایی تعیین شد، اما یا عملیات ساخت و ساز آغاز نشد یا به کندی پیش رفت و هر گز به همه ثبت‌نام‌کنندگان نرسید. در مواردی که به چند واحد ساخته شد، تخصیص آنها شفاف نبود و اعتراض‌هایی درباره اولویت‌بندی و عدالت در واگذاری شکل گرفت. مسکن خبرنگاران در برخی استان‌ها هم همین مسیر را رفت، ثبت‌نام انجام و فهرست‌ها تهیه شد، اما به دلیل نبود تعریف دقیق از خبرنگار و مشکلات اجرایی، پروژه‌ها یا نیمه‌کاره رها شدند یا به چند نفر خاص محدود ماندند.

چرا چنین وعده‌هایی همچنان داده می‌شود؟ چون وعده دادن آسان است و هزینه‌ای ندارد. در فضای سیاسی و رسانه‌ای کشور، وعده مسکن برای یک گروه خاص، توجه جلب می‌کند، تیتز مثبت می‌سازد و برای مدتی کوتاه محبوبیتی می‌آورد. مسئولان می‌دانند که بسیاری از مردم، به‌خصوص در شرایط تورم و بحران مسکن، به شنیدن چنین خبرهایی دل می‌بندند، اما این وعده‌ها وقتی به مر حله اجرا می‌رسند، با دیوار بلند واقعیت روبه‌رو می‌شوند؛ واقعیتی که شامل بودجه محدود، کمبود زمین مناسب، هزینه بالای ساخت، بوروکراسی پیچیده و تغییر اولویت‌های سیاسی است. آنچه باقی می‌ماند، فهرست‌هایی از اسامی، تعدادی پرونده بایگانی‌شده و گروهی از مردم است که یک بار دیگر اعتمادشان خدشه‌دار شده‌است.

ریشه اصلی مشکل، بی‌توجهی به اجرای واقعی اصل ۳۱ قانون اساسی است. اگر دولت‌ها به‌طور جدی به این اصل عمل می‌کردند، امروز نیازی به وعده‌های خاص و پروژه‌های صنفی نبود. این اصل به صراحت می‌گوید که همه مردم حق دارند متناسب با نیازشان داشته باشند و دولت موظف است با رعایت اولویت، این نیاز را برای نیازمندترین اقشار برطرف کند. معنای این حرف آن است که باید نظام شفاف و عادلانه‌ای برای شناسایی نیازمندان واقعی ایجاد شود، نه اینکه هر چند وقت یکبار، گروهی خاص به بهانه‌های مختلف در اولویت قرار گیرد. این نظام شفاف باید به دور از نفوذ سیاسی و رانت‌خواری باشد و بر پایه داده‌های واقعی درباره درآمد، شرایط زندگی و وضعیت مالکیت طراحی شود.

خبرنگاران مانند بسیاری دیگر از اقشار جامعه، با مشکلات معیشتی و مسکن روبه‌رو هستند، اما شآن حرفه خبرنگاری ایجاب می‌کند که این جامعه، به جای آنکه خود را در صف دریافت‌کنندگان امتیاز ویژه ببیند، پیگیر اجرای عدالت برای همه باشد. اگر خبرنگار خود را ذی‌نفع مستقیم چنین وعده‌هایی بداند، استقلال و توان نققدش نسبت به قدرت کاهش می‌یابد. مسئولیت اصلی جامعه خبری، مطالبه‌گری برای اجرای کامل اصل ۳۱ با نفع همه مردم است، نه مذاکره برای گرفتن سهمی از منابع محدود. به جای تکرار وعده‌های غیر عملی و بر سر و صدا، دولت‌ها باید با شفافیت بگویند چه میزان منابع و ظرفیت برای ساخت مسکن دارند و چگونه می‌خواهند آن را توزیع کنند. طرح‌های کوچک، شفاف و مرحله‌بندی‌شده که سالانه بخش مشخصی از نیاز را پاسخ دهد، به مراتب مؤثر تر و قابل اعتمادتر از وعده‌های بزرگ اما توخالی است. مشارکت بخش خصوصی، تعاونی‌های واقعی و نهادهای محلی، همراه با تسهیلات مالیاتی و بانکی، می‌تواند بار دولت را سبک کند و سرعت اجرای طرح‌ها را افزایش دهد. بی‌تردید تا زمانی که اصل ۳۱ قانون اساسی به‌طور کامل وی‌کی‌وگذاست اجرا نشود، بحران مسکن همچنان باقی خواهد ماند و وعده‌های صنفی، تنها زخم‌بی‌اعتمادی را عمیق‌تر خواهد کرد. تجربه نشان داده است منابع کشور، اگر بر اساس نیاز واقعی و بدون تبعیض تخصیص یابد، می‌تواند بسیاری از مشکلات را کاهش دهد، اما وقتی اولویت‌ها بر اساس مناصبت‌های کوتاه‌مدت یا اهداف تبلیغاتی تعیین می‌شود، نتیجه همان است که در دهه‌های گذشته دیده‌ایم: پروژه‌هایی که آغاز می‌شوند، اما آهسته آهسته در سبیل در سکوت به فراموشی سپرده می‌شوند. مسئولان، چه در دولت و چه در مجلس، باید به جای افزودن بر فهرست وعده‌ها، برای اجرای همین اصل روشن و ساده قانون اساسی اراده کنند. مردم خانه می‌خواهند، نه تیتز.

گزارش

هادی اسماعیلی

ساخت خانه نه با کلمات ممکن می‌شود و نه با تیتزهای خیری. اگر همین یک خط را مسئولان اجرایی باور کنند، حداقل مشکل بخش مسکن حل می‌شود، اما گفتار دمانی مسئولان ریزودرشت اجرایی، خلاصه‌ای از چهار دهه تجربه شنیدن وعده‌های رنگارنگ برای اقشار مختلف کشورمان است؛ وعده‌هایی که هر بار با هیچان اعلام می‌شوند و در نهایت در کشوی بایگانی دولت‌ها خاک می‌خورند. این بار، نوبت خبرنگاران است که مشمول طرحی جدید شوند: خانه‌های رایگان، بی‌نیاز از وام، اقساط و پیش‌پرداخت. رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت در سفری به کرمان از ریزنی با وازارت راه و شهرسازی و پیشنهاد تشکیل تعاونی‌های مسکن استانی برای خبرنگاران سخن گفته است، اما این پرسش هنوز بی‌پاسخ است که چند نفر در این کشور خبرنگار واقعی هستند؟ چه کسی می‌تواند این گروه را شناسایی و اولویت‌بندی کند؟ آیا سازو کار اجرایی چنین طرحی اصلاً وجود دارد و اگر دارد، چگونه قرار است از مسیر پرپیچ‌وخم دیوان سالاری و محدودیت منابع عبور کند؟ یا این هم مانند دهها وعده پیشین، تنها برای پر کردن تیتزها و به دست آوردن وجهه عمومی مطرح شده است؟

■ ■ ■

جامعه خبری در طول چهار دهه اخیر، وعده‌های مربوط به تأمین مسکن گروه‌های مختلف، از کارگران و فرهنگیان گرفته تا ورزشکاران و هنرمندان را بارها تیتز کرده‌اند و این وعده‌ها نیز بارها و بارها تکرار شده است و هر بار هم یک مقام مسئول، با لحن قاطع، خبر از آغاز طرحی «ویژه» داده است؛ طرح‌هایی که اغلب در مرحله ثبت‌نام یا تهیه فهرست مشمولان متوقف شده‌اند. حالا نوبت خبرنگاران است.

طبق گفته‌های ایلاس حضرنی قرار است خبرنگاران بدون وام و اقساط، صاحب خانه شوند، اما تجربه نشان داده است فاصله میان یک وعده، آن هم در ایام روز خبرنگار که مشحون از الفاظ رنگارنگ است و کلید زند واقعی یک پروژه عمرانی، بسیار بیشتر از چند جمله زیباست.

■ **ایهام اول: چند نفر خبرنگار وجود دارد؟**

برای اجرای هر طرح حمایتی، ابتدا باید جامعه هدف مشخص شود، اما در حوزه خبرنگاری، این کار ساده نیست. در کشورمان، تعریف واحد و پذیرفته‌شده‌ای از «خبرنگار» وجود ندارد.

سامانه‌هایی که برای ثبت خبرنگاران ایجاد شده‌اند، اغلب با مشکلاتی چون نبود معیارهای شفاف، ثبت‌نام افراد فاقد سابقه حرفه‌ای یا عدم ثبت‌نام خبرنگاران باسابقه به دلایل شخصی یا اداری مواجهند.

همین چند وقت پیش، تعداد خبرنگاران در سامانه جامع رسانه‌های کشور ۸هزار و ۵۰۰ نفر عنوان

شد اما با مراجعه کوتاه به تارنمای سامانه جامع و فرهنگیان گرفته تا ورزشکاران و هنرمندان را بارها تیتز کرده‌اند و این وعده‌ها نیز بارها و بارها تکرار شده است و هر بار هم یک مقام مسئول، با لحن قاطع، خبر از آغاز طرحی «ویژه» داده است؛ طرح‌هایی که اغلب در مرحله ثبت‌نام یا تهیه فهرست مشمولان متوقف شده‌اند. حالا نوبت خبرنگاران است.

طبق گفته‌های ایلاس حضرنی قرار است خبرنگاران بدون وام و اقساط، صاحب خانه شوند، اما تجربه نشان داده است فاصله میان یک وعده، آن هم در ایام روز خبرنگار که مشحون از الفاظ رنگارنگ است و کلید زند واقعی یک پروژه عمرانی، بسیار بیشتر از چند جمله زیباست.

■ **ایهام دوم: اولویت‌بندی بر چه اساسی؟**

حتی اگر بپذیریم که تمامی این افراد واجد شرایط هستند، چگونه قرار است اولویت‌بندی شوند؟ آیا خبرنگاری که ۲۰سال در یک روزنامه ملی فعالیت کرده، باید با کسی که چند ماه در یک پایگاه خبری کوچک مطلب گذاشته، در یک صف بایستد؟ سازوکارهای حمایتی موفق، همواره بر مبنای شناسایی دقیق و تفکیک گروه‌های هدف عمل می‌کنند، اما در این طرح، نه تعریف روشنی از

«خبرنگار فعال» ارائه شده است و نه شاخص‌هایی برای سنجش سابقه و کیفیت فعالیت وجود دارد.

■ **ایهام سوم: منابع مالی از کجا می‌آید؟**

طرح «مسکن رایگان» حتی برای گروهی محدود، بار مالی سنگینی دارد.

هزینه تأمین زمین، ساخت‌وساز، زیرساخت‌های رسانه نیز در نوبت هیئت نظارت قرار دارد؛ بنابراین باید ابتدا باید مشخص شود چند خبرنگار واقعی در چند رسانه داریم.

مقایسه این عدد با بسیاری از کشورها، به‌ویژه در شرایطی که رسانه‌ها با محدودیت منابع و کاهش تعداد نیرو مواجهند، نشان می‌دهد این آمار بیش از آنکه واقعی باشد، محصول یک سیستم ثبت‌نامی شلخته است.

■ **ایهام دوم: اولویت‌بندی بر چه اساسی؟**
حتی اگر بپذیریم که تمامی این افراد واجد شرایط هستند، چگونه قرار است اولویت‌بندی شوند؟ آیا خبرنگاری که ۲۰سال در یک روزنامه ملی فعالیت کرده، باید با کسی که چند ماه در یک پایگاه خبری کوچک مطلب گذاشته، در یک صف بایستد؟ سازوکارهای حمایتی موفق، همواره بر مبنای شناسایی دقیق و تفکیک گروه‌های هدف عمل می‌کنند، اما در این طرح، نه تعریف روشنی از

«خبرنگار فعال» ارائه شده است و نه شاخص‌هایی برای سنجش سابقه و کیفیت فعالیت وجود دارد.

■ **ایهام سوم: منابع مالی از کجا می‌آید؟**

طرح «مسکن رایگان» حتی برای گروهی محدود، بار مالی سنگینی دارد.

هزینه تأمین زمین، ساخت‌وساز، زیرساخت‌های رسانه نیز در نوبت هیئت نظارت قرار دارد؛ بنابراین باید ابتدا باید مشخص شود چند خبرنگار واقعی در چند رسانه داریم.

مقایسه این عدد با بسیاری از کشورها، به‌ویژه در شرایطی که رسانه‌ها با محدودیت منابع و کاهش تعداد نیرو مواجهند، نشان می‌دهد این آمار بیش از آنکه واقعی باشد، محصول یک سیستم ثبت‌نامی شلخته است.

■ **ایهام دوم: اولویت‌بندی بر چه اساسی؟**
حتی اگر بپذیریم که تمامی این افراد واجد شرایط هستند، چگونه قرار است اولویت‌بندی شوند؟ آیا خبرنگاری که ۲۰سال در یک روزنامه ملی فعالیت کرده، باید با کسی که چند ماه در یک پایگاه خبری کوچک مطلب گذاشته، در یک صف بایستد؟ سازوکارهای حمایتی موفق، همواره بر مبنای شناسایی دقیق و تفکیک گروه‌های هدف عمل می‌کنند، اما در این طرح، نه تعریف روشنی از

«خبرنگار فعال» ارائه شده است و نه شاخص‌هایی برای سنجش سابقه و کیفیت فعالیت وجود دارد.

■ **ایهام سوم: منابع مالی از کجا می‌آید؟**

طرح «مسکن رایگان» حتی برای گروهی محدود، بار مالی سنگینی دارد.

هزینه تأمین زمین، ساخت‌وساز، زیرساخت‌های رسانه نیز در نوبت هیئت نظارت قرار دارد؛ بنابراین باید ابتدا باید مشخص شود چند خبرنگار واقعی در چند رسانه داریم.

مقایسه این عدد با بسیاری از کشورها، به‌ویژه در شرایطی که رسانه‌ها با محدودیت منابع و کاهش تعداد نیرو مواجهند، نشان می‌دهد این آمار بیش از آنکه واقعی باشد، محصول یک سیستم ثبت‌نامی شلخته است.

■ **ایهام دوم: اولویت‌بندی بر چه اساسی؟**
حتی اگر بپذیریم که تمامی این افراد واجد شرایط هستند، چگونه قرار است اولویت‌بندی شوند؟ آیا خبرنگاری که ۲۰سال در یک روزنامه ملی فعالیت کرده، باید با کسی که چند ماه در یک پایگاه خبری کوچک مطلب گذاشته، در یک صف بایستد؟ سازوکارهای حمایتی موفق، همواره بر مبنای شناسایی دقیق و تفکیک گروه‌های هدف عمل می‌کنند، اما در این طرح، نه تعریف روشنی از

«خبرنگار فعال» ارائه شده است و نه شاخص‌هایی برای سنجش سابقه و کیفیت فعالیت وجود دارد.

■ **ایهام سوم: منابع مالی از کجا می‌آید؟**

طرح «مسکن رایگان» حتی برای گروهی محدود، بار مالی سنگینی دارد.



و خبرنگارنماها از اذهان جامعه خبری پاک نشده‌است که معلوم نشد بر چه اساسی پذیرش عضویت کرد و چرا دیگر خبرنگاران واقعی را به عضویت قبول نکرد!

در چنین شرایطی، طرح مسکن خبرنگاران به جای حل مشکل این قشر، می‌تواند به عاملی برای تشدید بی‌اعتمادی عمومی و دامن زدن به شکاف میان رسانه‌های مستقل و وابسته تبدیل شود.

■ **ایهام پنجم: تجربه‌های شکست‌خورده گذشته**

پیش‌تر نیز طرح‌های مشابهی برای مسکن خبرنگاران مطرح شده بود. به عنوان نمونه، در سال‌های گذشته در برخی استان‌ها ثبت‌نام‌هایی برای واگذاری مسکن به خبرنگاران انجام شد، اما یا به دلیل کمبود منابع متوقف شد یا به چند واحد پراکنده در اختیار افراد خاص ختم شد، حتی در مجلس‌نهم برخی نمایندگان وعده مسکن خبرنگاران پارلمانی را دادند اما هیچ‌وقت به سرانجام نرسید. هیچ‌یک از این طرح‌ها به‌صورت ملی و با پوشش کامل اجرا نشده‌اند.

این پرسش مطرح می‌شود که اگر دولت‌های پیشین با وجود امکانات مشابه نتوانسته‌اند چنین وعده‌ای را عملی کنند، چه تضمینی وجود دارد که این بار نتیجه متفاوت باشد؟

قانونی باشند و هیچ معامله‌ای بدون ثبت رسمی قابلیت استناد و اجرا نداشته باشد. در این دوره گذار، باید همه ذی‌نفعان از جمله دفا‌تر اسناد رسمی، شهرداری‌ها، مشاوران املاک و حتی مردم آموزش ببینند و سیستم‌ها هم کاملاً دیجیتالی شوند.»

■ **«انحصار» مانع شفافیت بازار مسکن**
یوسفی با انتقاد از انحصاری شدن فرایند اتصال به سامانه ثبت، گفت: «وقتی فقط یک سامانه خاص اجازه فعالیت دارد و سسکوهای دیگر محروم می‌مانند، عملاً بازار به سمت انحصار می‌رود. این نه‌تنها خلاف روح قانون و اصل رقابت سالم است، بلکه باعث می‌شود کیفیت خدمات پایین بیاید و هزینه‌ها افزایش پیدا کند. اگر رقابت میان سکوها برقرار شود، شاهد خدمات بهتر، دسترسی بیشتر و کاهش فساد خواهیم بود.»

او ادامه داد: «اتصال سکوهایی خصوصی می‌تواند مسیر ثبت معاملات را برای مردم ساده‌تر و در دسترس‌تر کند. در حال حاضر، نه‌تنها این اتصال فراهم نشده، بلکه اساساً هیچ چارچوب روشنی برای آن منتشر نشده است. این نوع بلاکچینی، عملاً راه را برای بازگشت به معاملات غیررسمی باز می‌گذارد.» یوسفی همچنین به خأ شدیدی آموزش تخصصی و عمومی در اجرای این قانون اشاره کرد و گفت: «حتی اگر تمام سامانه‌ها امروز آماده باشند، نبود آموزش برای ذی‌نفعان باعث می‌شود قانون در اجرا شکست بخورد. ما هنوز برنام‌ه جدی برای آگاه‌سازی سردفتران، کارشناسان املاک، شهرداری‌ها و حتی شهروندان نداریم. قانون برای اینکه مؤثر باشد، باید فهمیده شود، نه فقط نوشته شود.»

■ **مسئولیت سایر نهاده‌ها نیز فراموش شده**
او در بخش دیگری از صحبت‌هایش، نقش نهادهای دیگر در اجرای قانون را یادآوری کرد و افزود: «برخی مفاد قانون مثل ماده ۱۴، همکاری مستقیم نهادهایی مانند شهرداری‌ها، سازمان نظام مهندسی و وزارت راه را ضروری کرده است، اما متأسفانه در بسیاری از موارد این دستگاه‌ها یا اصلاً همکاری نکرده‌اند یا عملکردشان بسیار کند و جزیره‌ای بوده، این در حالی است که ساماندهی بازار املاک یک پروژه ملی است، نه وظیفه یک نهاد خاص.» یوسفی در پایان با هشدار نسبت به آینده این قانون گفت: «با یا‌بد یا راه‌آ‌دهی قاطع، قانون را اجرایی و زیرساخت‌های آن را فراهم کنیم یا باید بپذیریم که با اجرای ناقص و محدود، در عمل راه برای بازگشت معاملات غیررسمی و تولید دعوی باز شده است. ما دیگر فرصت آزمون و خطا نداریم، یا به سمت شفافیت می‌رویم یا دوباره به وضعیت قبلی بازمی‌گردیم. راه سومی وجود ندارد.»

وعده تأمین مسکن خبرنگاران دوباره از سوی مسئولان تکرار شد

«مسکن خبرنگاران» تکرار یک کلیشه!

رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت از طرحی برای واگذاری رایگان مسکن به خبرنگاران خبر داد؛ طرحی که در نبود آمار شفاف، تعاریف دقیق و سازوکار اجرایی روشن بیش از آنکه عملی باشد، به وعده‌ای قدیمی و بی‌سرانجام می‌ماند

■ **مشکلات جامعه خبری**

بی‌تردید بخش بزرگی از خبرنگاران کشور با مشکلات جدی مواجهند. حقوق پایین، نبود امنیت شغلی، فشارهای کاری و محدودیت‌های صنفی باعث شده است بسیاری از فعالان رسانه‌ای حتی نتوانند به خانه‌دار شدن فکر کنند، اما راه‌حل این بحران، نه وعده‌های پرطمطراق، بلکه برنامه‌های دقیق، مرحله‌بندی‌شده و شفاف است.

دولت می‌تواند به جای وعده مسکن رایگان، از ابزارهایی چون وام‌های کم‌بهره، زمین ارزان قیمت یا معافیت‌های مالیاتی برای تعاونی‌های مطبوعاتی استفاده کند.

اعلام طرح‌های فاقد پشتوانه اجرایی، دو آسیب اصلی دارد:

تضعیف اعتماد عمومی به نهادهای دولتی و رسانه‌ها: وقتی وعده‌ها محقق نمی‌شوند، افکار عمومی نسبت به صداقت گویندگان تردید می‌کند. **ایجاد توقعی که امکان برآورده شدنش وجود ندارد:** این توقعات کاذب، به مرور باعث دلسردی و ناامیدی می‌شود و حتی می‌تواند به اعتراضات صنفی دامن بزند.

برای کمک به خبرنگاران، باید ابتدا یک نظام جامع شناسایی و ارزیابی ایجاد شود.

این نظام باید خبرنگار را بر اساس معیارهایی چون سابقه کاری، حجم و کیفیت تولید محتوا، عضویت در رسانه‌های معتبر و استعراا فعالیت تعریف کند، سپس با همکاری نهادهای صنفی مستقل، فهرست واقعی خبرنگاران فعال تهیه شود. در مرحله بعد، طراحی بسته‌های حمایتی متنوع است که شامل تسهیلات مسکن، بیمه، آموزش و بازنشتگی باشد. این بسته‌ها باید با مشارکت بخش خصوصی، تعاونی‌ها و شهرداری‌ها تدوین شود تا بار مالی مستقیم بر دوش دولت کاهش یابد.

چنان‌کلا آنک‌ه طرح «مسکن رایگان» برای خبرنگاران «اگر چه در ظاهر جذاب است، اما در شرایط کنونی اقتصاد کشورمان و با توجه به ضعف ساختارهای شناسایی و اولویت‌بندی، عملاً اجرایی به نظر نمی‌رسد. تجربه‌های گذشته، محدودیت منابع، خطر رانت و نبود تعریف دقیق از جامعه هدف، همه دست به دست هم می‌دهند تا این وعده بیش از آنکه نشانی از یک سیاست عملی باشد، نشانه‌ای از تکرار کلیشه‌ای وعده‌های بی‌سرانجام باشد.

اگر دولت واقعاً به بهبود وضعیت خبرنگاران باور دارد، باید صداقت از محدودیت‌ها سخن بگوید و به جای وعده‌های بزرگ اما توخالی، برنامه‌های کوچک، شفاف و قابل تحقق ارائه کند. البته این اظهارات ایلاس حضرنی را ثبت می‌کنیم تا پایان دولت چهاردهم مشخص شود چه تعداد وعده برای چه تعداد و چه افراد جامعه خبری ساخته می‌شود.

۴ بانک

طرح جدید بانک مرکزی برای مقابله با پولشویی

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران از آغاز برنامه‌ای خبر داده است که با هدف ساماندهی شبکه بانکی، کاهش ریسک‌های حقوقی و جلوگیری از سوءاستفاده‌های مالی اجرا می‌شود. در این طرح، یک «درگاه ثبت درخواست حذف داوطلبانه حساب‌های بانکی مازاد» راه‌اندازی خواهد شد که امکان بستن حساب‌های پلاستفاده را بدون نیاز به مراجعه حضوری برای شهروندان فراهم می‌کند.

طبق آمارهای رسمی، در حال حاضر حدود ۵۰میلیون حساب سپرده بانکی در کشور فعال است، در حالی که برآوردها نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از این حساب‌ها مازاد بر نیاز صاحبان آنهاست و بسیاری از آنها سال‌هاست مورد استفاده قرار نگرفته‌اند. میانگین تعداد حساب‌های هر ایرانی بالای ۱۸ سال حدود ۱۰ حساب است، اما استفاده مداوم معمولاً از دو یا سه حساب انجام می‌شود. این حجم از حساب‌های مازاد، بستری مناسب برای پنهان کردن تراکنش‌های غیرقانونی ایجاد می‌کند. بررسی‌ها نشان داده که در پرونده‌های قضایی مختلف، از حساب‌های پلاستفاده برای انجام جرائم مالی، تأمین مالی فعالیت‌های غیرقانونی و حتی اخلاخل در بازار استفاده شده است.

در گاه جدید به گونه‌ای طراحی می‌شود که صاحبان حساب بتوانند با ثبت شماره حساب و تعیین یک حساب مقصد، درخواست بستن حساب‌های اضافی خود را ثبت کنند. پس از بررسی و در صورت نبود مانع، بانک مربوط حساب را خواهد بست و موجودی آن به حساب تعیین‌شده منتقل می‌شود. هدف گذاری این طرح کاهش تعداد حساب‌های سپرده بانکی از ۵۰میلیون به ۳۰میلیون طی دو سال آینده است. این اقدام علاوه بر کاهش هزینه‌های عملیاتی در نظام بانکی، ریسک‌های حقوقی متوجه افراد را نیز به طور چشمگیری کم خواهد کرد.

یکی از چالش‌های مهم در این طرح به آن پاسخ می‌دهد، پدیده «جاره حساب بانکی» است. در این روش، برخی افراد حساب یا حتی سیم‌کارت خود را در اختیار دیگران قرار می‌دهند تا تراکنش‌های غیرحضوری انجام شود. این کار که تخلف جدی محسوب می‌شود، باعث می‌شود مسئولیت کامل اقدامات غیرقانونی بر عهده صاحب اصلی حساب قرار گیرد، حتی اگر خود او بی‌اطلاع باشد. برخی افراد به دلایل مختلف، با بانک‌های خارجی انگیزه‌های انسان‌دوستانه، حساب‌های خود را به آشنایان یا اتباع خارجی غیرمجاز می‌سپارند، بی‌آنکه بدانند این کار می‌تواند تبعات کفیری و مالی سنگینی به دنبال داشته باشد. بانک مرکزی طی سال‌های اخیر محدودیت‌هایی برای تعداد حساب‌های هر فرد در شبکه بانکی اعمال کرده است، اما به دلیل باقی ماندن حساب‌های قدیمی و عدم استقبال گسترده مردم از بستن حساب‌های اضافی، راه‌اندازی این درگاه به عنوان یک اقدام سریع و مؤثر در دستور کار قرار گرفته است.